

سردبیر محترم مجله وزین آینه پژوهش، دام افاضاته

بعد از سلام و ضمن امتنان از درج مقالات مشبع و منسجمی چون «نقد نکته ای از یک کتاب» به قلم آقای سرداری نیا در شماره ۴۵ در مقاله معنون به «کتاب شناسی حسام الدین خوئی» ادیب و شاعر برجسته ولیکن گمنام قرن هفتم، نوشته محقق ارجمند آقای علی صدرائی خوئی به مواردی برخوردارم که توضیح اهم آنها به فرار زیر است:

الف: در قسمت مربوط به «حاکمان عصر حسام الدین» که یکی از آنان با او همنام بوده، نحوه جملات نخستین طوری است که خواننده خیال می کند حسام الدین خوئی پدر «مظفرالدین یولق ارسلان» که ملقب به «ابوالحرب» بوده است، می باشد. از طرف دیگر قبیله «قایی» که یولق ارسلان و پدرش «حسام الدین آلپ یورک» و همچنین «ناصرالدین محمود» پسر یولق ارسلان بآن قبیله منتسب هستند، به صورت «قایی» (بر وزن «آبی») آورده شده که اشتباه است. یادآوری می شود که قبیله «قایی» یکی از بیست و چهار قبیله «اوغوز» می باشد که در جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله و شجره تراکمه ابوالغازی بهادرخان به تفصیل از آنان سخن رفته و در مقدمه «کتاب دده قور قود علی لسان طائفه اوغوزان» به قبیله قایی اشاره شده است.

ب: در مورد آثار قلمی حسام الدین خوئی آمده است که: «این آثار به نظم و نثر فارسی است...» در حالی که در سطور بعدی در مورد یکی از این آثار می خوانیم: «تحفه حسام فرهنگ منظوم ترکی به فارسی است.» که این جمله با جنبه اشتمالی جمله قبلی منافات دارد. به عبارت دیگر شکننده دایره شمولی آن است!

حال، اگر چه نوبت به هم خورد سوزنی به خود بنزیم و

بگویم: آنچه به سالی چند پیش از این، طی نامه ای از این جانب (در شماره ۲۴) فروردین-اردیبهشت ۱۳۷۳، آینه پژوهش (صفحه ۱۱۸) آمده است، دایر بر اینکه جلد اول کتاب «مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار» تألیف میرزا عبدالحسین خان فیلسوف ابن حاج میرزا محمد حسن مجتهد زنوزی تبریزی در تبریز چاپ سنگی شده، اشتباه است. صحیح آنکه مرحوم مدرس در ریحانة الادب از نوع چاپ کتاب مزبور سخنی نگفته و اشتباه ناشی از این قلم بوده است!

با احترام و تشکر

بهرام حق پرست

مدیریت محترم مجله شریفة آینه پژوهش

با عرض سلام و دعای موفقیت برای شما و همکاران دانشور، خواهشمندم این توضیح را در رابطه با مقاله «نگاهی به کتاب نتیجه الدوله» در شماره ۴۶ یا ۴۷ درج فرمایید: بخشی از کتاب نتیجه الدوله - یعنی سه رساله موجود در نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس - به سال ۱۳۵۰ ش با مقدمه و تعلیقات عالمانه ادیب و دانشمند فقیه، شادروان استاد محمد تقی بینش، در شمار انتشارات بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است. امید است پژوهشگران عالیقدر به نسخه کامل این کتاب دست یابند و آن را با تصحیح و تحقیق در معرض استفاده همگان قرار دهند.

با احترام

محمد آصف فکرت